

دکتر غلامعلی افروز

## ملاحظات

آگاه و معلم دلسوز، با الهام از روشهای تربیتی قرآن کریم به شیوه‌های مستقیم و غیر مستقیم با اندرزهای حکیمانه و اشارت و تمثیل‌های متفکرانه، به تهذیب اخلاق، خودسازی، افزایش خود ارزشمندی و عزت نفس، تقویت اراده و شجاعت اخلاقی جامعه پرداخته است. همین است که در میان شعرای فارسی زبان، فردوسی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، شیخ سعدی و خواجه حافظ را ارکان اربعه زبان و ادبیات فارسی و عناصر چهارگانه تربیت نامیده‌اند.

در واقع، رمز اصلی جاودانگی شاهنامه فردوسی در پاکی زبان و عفت لسان و مواضع بحق و پای‌بندی به ارزشها و معیارهای اخلاقی و انسانی حکیم حماسه سرای ما بوده است.

قهرمانان و پهلوانان او هرگز اسیر نفس نشده، از حریم عفت تجاوز نمی‌کنند. به همین دلیل است که "شاهنامه خوانی" همواره در میان اقشار مختلف جامعه، در درون خانواده‌ها و در جمع کودکان و بزرگسالان، از زنان و مردان، امری رایج بوده است؛ زیرا گفتار موزون و خوش آهنگ و حماسه‌های زیبای فردوسی نه تنها در تقویت اراده، خودپنداری مثبت و اعتماد به نفس ایرانیان مؤثر بوده، بلکه خود متضمن درس آداب و ترتیب پهلوانی، راه و رسم زندگی و قیود اخلاقی بوده است.

در اینجا از باب نمونه به چند نکته مهم که از نظر روان‌شناسی اجتماعی و تربیتی حائز اهمیت است اشاره می‌شود.

## تربیتی و اخلاقی

## در شاهنامه فردوسی

به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد  
حکیم فردوسی در آفرینش شاهکار ادبی خود که بی تردید از مهمترین گنجینه‌های ادبی جهان است، علاوه بر به نظم کشیدن فرهنگ و تاریخ پویای ملی، در ترویج و اعتلای ارزشهای والای اخلاقی و انسانی و تقویت ویژگیها و خصایص حسنه توجه و تلاش قابل توجهی می‌ذول داشته است. اگر چه فردوسی یک روان‌شناس به معنای اخص آن نبوده است، اما بخوبی به قوانین حاکم بر نفسانیات انسان، باورهای عامه و نظام ارزشی جامعه آگاه بوده، همانند یک جامعه شناس حاذق و روان‌شناس

حکیم فردوسی با الهام از قرآن کریم، لقمان گونه به هنگام وصف حال پهلوانان و شرح داستان پادشاهان، آنان را مخاطب قرار داده است و توجه ایشان را به عظمت خالق حسی و قادر و آسیب‌پذیری و ضعف و فانی بودن انسان در عین صحت و قدرتِ حال، جلب می‌کند و این نکته از نظر روان‌شناسی تربیتی به لحاظ تأثیری که بطور غیر مستقیم در رفتار انسان می‌گذارد حائز اهمیت است، چرا که اساس بسیاری از کجروها و ضلالت‌ها کبر و خودمداریهاست.

ستایش کنم ایزد پاک را

که گویا و بینا کند خاک را

به موری دهد مالش نره شیر

کند پشه بر پیل جنگی دلیر

فلک را ندانم چه دارد گمان

که ندهد کسی را به جان خود امان

به مهرش مدار ای برادر امید

اگر چه دهد بی کرامت نوید

(ج ۶، ص ۱۰۲)

شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در ایجاد و گسترش بازخوردها، باورها و احساسات شایسته و متعهدانه نسبت به استقلال، آزادی، خویش‌داری، ایثار، فداکاری، اراده و عزمی استوار در برخورد با موانع و مشکلات در بین اقشار مختلف مردم ایران زمین نقش بسیار مهمی داشته است. او ایستادگی در برابر دشمنان، و پیکار با عناصر متجاوز و ناپاک را به عنوان یک "ارزش" مطرح ساخته، پیروی از شیوه زندگی پهلوانان پاک نهاد و آزاده را توصیه می‌کند.

گرچه بعضی شاهنامه فردوسی را صرفاً یک حماسه ملی و میهنی قلمداد می‌کنند و وی را



# سیر تحول فرهنگ

مروج خلق و خوی ملی‌گرایی می‌دانند، اما تعمق در اثر مدبرانه این حکیم اندیشمند، بیانگر این حقیقت است که او بیش از آنکه به احیای تاریخ ملی و قهرمانان و پهلوانان حماسه‌آفرین توجه داشته باشد، به ویژگیهای مطلوب و حمیده پهلوانی، مردانگی و آزادی، گذشت و ایثار، وفای به عهد و رعایت اعتدال و

جهان سر به سر حکمت و عبرت است

چرا بهره ما همه غفلت است؟

(ج ۲، ص ۵۴۶)

بدون شک همانند سازی با پهلوانان شاهنامه فردوسی از دیر باز، در جامعه ما بخصوص در میان کسانی که با شاهنامه مانوس بوده اند، بسیار زیاد بوده است. انتخاب بسیاری از اسامی یاران وارسته شاهنامه برای "فرزندان" خود نشانه‌ای از میزان تأثیر پذیری مردم از فرهنگ منظوم شاهنامه است. قدر مسلم هدف اصلی کسانی که از اسامی شاهنامه در نام‌گذاری فرزندان خود بهره می‌گرفته‌اند، تربیت فرزندانی صالح و آزاده و متخلق به اخلاق حسنه بوده است.

حکیم فرزانه ما، در بیان بیکارهای دلیرانه پهلوانان ملی، زمانی که آنان را در میدان کارزار با موانع متعدد و متنوع مواجه می‌بیند از واژه "هفت" که حکایتگر تمام و کمال است بهره گرفته، مشکلات و سختی‌های پهلوانان را به "هفت خوان" تعبیر می‌کند و با توصیف تلاشهای خستگی ناپذیر و عزم راسخ آنان، غلبه بر همه مشکلات و موانع از هر قبیل را امری مقدور و میسر می‌نمایند، ولو اینکه مانع اصلی حرکت و نیل به کمال، "ازدهای" نفس باشد. به دیگر سخن حکیم فردوسی با بیان "خوان‌های عینی و ذهنی"، وجود موانع و مشکلات را در زندگی امری عادی و گذرا می‌داند. بی‌شک در زندگی جهت‌دار و در طریق دستیابی به پیروزیها و نیل به کمال، عبور از "هفت خوان" و "هفت شهر عشق"، صیقل جسم، پالایش روان و تهذیب نفس، امری است طبیعی.

امروزه غالباً برداشت و تعبیر منفی و ناقصی از "هفت خوان رستم و اسفندیار" در جامعه

به عبارت دیگر به صفات حسنه و سجایای اخلاقی و انسانی که در نزد همه اقوام و صاحبان مذاهب مختلف مقبول است، نظر داشته است. به دیگر سخن، فردوسی هیچ یلی را قهرمان ملی ندانسته و او را نستوده مگر اینکه ابتدا جامه عفت بر قامتش پوشانیده و وجودش را به زیور اخلاق و مردانگی مزین کرده باشد. در نظر فردوسی قهرمان ملی کسی است که هرگز از حریم عفت گامی فراتر ننهد. بنابراین آنچه که در نزد فردوسی مطلوب بوده است هرگز در حصار مرزهای جغرافیایی نمی‌گنجد. در یک کلام اراده و عزم راسخ فردوسی براین استوار بوده که باورها و حماسه‌های ملی ایران را در آینه حق نمابه نظم آورد، تا آیندگان در همه گیتی، و بالاخص ایرانیان آزاده و مسلمان با غروری افتخار آفرین بر آن بنگرند. الحق که این حکیم سخنور چه زیبا حماسه‌های ملی را با اخلاق و رفتار وارستگان و گرویدگان به حق عجين ساخته و سرمشق نیکویی از رادمردیها را به یادگار گذاشته است.

حکیم فردوسی هر جا که مقتضی دانسته، از قضایا تنبه خاص حاصل کرده، پندهای نیکو می‌گیرد و مخاطبان خود را به تعمق و تفکر فرا می‌خواند. این شیوه، یعنی شرح وقایع و نتیجه‌گیری طبیعی از آن نیز از نظر روان‌شناسی تربیتی بسیار ارزشمند است:

هر آن کس که اندیشه بد کند

به فرجام بد با تن خود کند

(ج ۵، ص ۲۰۰۳)

ستم نامه عزل شاهان بود

چو درد دل بی‌گناهان بود

(ج ۴، ص ۱۶۸)

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

(ج ۱، ص ۱)

پس از ستایش پروردگار، در باب اهمیت

هوش و خرد و علم و دانش، سخن می‌گوید:

خرد افسر شهریاران بود

خرد زیور نامداران بود

(ج ۱، ص ۲)

توانا بود هرکه دانا بود

به دانش دل پیر برنا بود

(ج ۱، ص ۱)

بیاموز و بشنوزهر دانشی

بیابی زهر دانشی رامشی

(ج ۱، ص ۱۳۱)



وجود دارد. بیشتر کسانی که چنین اصطلاح یا تعبیر و تمثیلی را به کار می‌برند عمدتاً مرادشان بزرگ جلوه‌دادن سختی‌ها و موانع است و نه صبوری و استقامت در برابر مشکلات و چیرگی بر آنها.

بالطبع این وظیفهٔ ادبا و صاحب نظران است تا در تشریح فرهنگ شاهنامه و تغییر و اصلاح باورهای جامعه تلاش کنند؛ بدینسان که انسانها همواره با اراده‌ای مصمم و عزمی راسخ "خود" را برتر از "مانع" ببینند.

نکتهٔ بسیار مهم دیگر که در شاهنامهٔ فردوسی از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی حائز اهمیت است، مسألهٔ توجه حکیم فردوسی به نعمت خرد و خردمندی است. به رغم اینکه در دیوان فردوسی آنچه که علی‌الظاهر مورد نظر است مسألهٔ قوت جسم و رزم پهلوانی است، اما حکیم فردوسی آنچنان از ارزشمندی و اهمیت هوش و عقل، خرد و خردمندی و علم و هنریاد می‌کند که مبادا ذهن خواننده صرفاً متوجه نیروی بازوان و تن آرایها گردد.

اگر چه ابیاتی که فردوسی در وصف خرد سروده است از نظر کمی هرگز قابل قیاس با سروده‌های رزمی و پهلوانی او نیست، اما از نظر کیفی شدت تأثیر کلام و طنین سخنان موزون و حکیمانهٔ فردوسی در این رهگذر نه تنها موازنه‌ای بین عقل و جسم برقرار می‌سازد، بلکه اثر جانبخش پیام او به گونه‌ای است که بدون تردید هر اندیشمند صاحب دلی به اولویت و بهای خرد و خردمندی در شاهنامهٔ فردوسی واقف شده، بدان ارج می‌نهد؛ بخصوص آنکه حکیم کلام خود را در ستایش خداوند چنین آغاز می‌کند:

## خبرهای فرهنگی

برگزاری کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی  
حضرت امام خمینی (ره)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (س) به دنبال برگزاری کنگره بررسی اندیشه‌های اقتصادی آن حضرت در اردیبهشت ماه سال ۷۱، همزمان با پنجمین سالگرد عروج آن مربی بزرگ "کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی (ره) را با همکاری دانشگاه تربیت معلم و جهاد دانشگاهی در روزهای ۱۱ و ۱۲ خرداد ماه سال جاری برگزار می‌کند.

دبیرخانه کنگره

برگزاری سمینار امر به معروف و نهی از منکر

نظر به اینکه معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اولین سمینار امر به معروف و نهی از منکر را در مردادماه سال جاری برگزار می‌کند، از علما، پژوهشگران و علاقه‌مندان شرکت در این سمینار دعوت به عمل می‌آید که مقالات خود را در زمینه "فریضه الهی" امر به معروف و نهی از منکر، تا تاریخ ۷۳/۳/۲۰ به نشانی: تهران - خیابان ولی عصر - خیابان دمشق - ساختمان شماره ۱۱ - دبیرخانه سمینار امر به معروف و نهی از منکر ارسال فرمایند.

مرکز آمار و برنامه ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فردوسی به گونه‌ای ارزش و اهمیت عقل و خرد را یادآور می‌شود که خردمندی را با دینداری توأم می‌داند. شاید این سخن او متأثر از کلام رسول خدا (ص) باشد که فرمود: "الذین هوالعقل و العقل هو الذین".  
دگر با خردمند مردم نشین

که نادان نباشد بر آیین و دین  
(ج ۱، ص ۱۳۱)

که دانا تورا دشمن جان بود

به از دوست مردی که نادان بود  
(ج ۱، ص ۱۳۱)

حکیم فردوسی در پایان شاهنامه نیز حماسه جاودانه خود را با شکر و سپاس خالق تمام کرده، در اینجا نیز نیایش خردمندان خود را می‌سراید:

سپاس خداوند دانا کنم  
روان و خرد را توانا کنم

تأکیدات مکرر فردوسی در باب اهمیت علم و خرد، بیانگر خردمندی عمیق و طبع والای این شاعر وارسته و آزاده است.

در خاتمه این مختصر تذکر این نکته را لازم می‌دانم که می‌بایست با نگرشی دوباره، شاهنامه فردوسی را به عنوان اثری جاودانی مورد توجه قرار داد و آن را از دیدگاههای مختلف ادبی، هنری، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

آنچه که در اینجا به اختصار بدان اشاره شد صرفاً نکات چندی بود از نکته‌های فراوان و خلاقیت‌های کم نظیر حکیم بزرگوار ابوالقاسم فردوسی.\*

\* ابیات شاهد از شاهنامه فردوسی چاپ دکتر  
دبیر سیاقی نقل شده است.